

پس از سخنان ۱۵ آبان مسعود پزشکیان در نشست توسعه عدالت آموزشی در سندج درخصوص هشدادر جدی کاهش بارش ها و احتمال جیره بندی در صورت تداوم خشکسالی و حتی در صورت لزوم و تداوم این وضعیت، درنظر گرفتن احتمال تخلیه تهران، فضای سیاسی و عمومی کشور را تحت تاثیر قرار داده است. مجمع فعالان اقتصادی در ۱۶ آبان خطاب به رئیس جمهوری نوشت: «به جای تخلیه تهران، ۲۰۰ میلیون دلار از بودجه نهادهای فرهنگی بی خاصیت را بدهید به ترمیم لوله های فرسوده آب؛ تیتربک بسیاری از مطبوعات کشور به هشدادر جدی درباره کم آبی، بحران خشکسالی و صحبت های پزشکيان اختصاص یافته است. از طرفی تهران نیز این روزها، شب های بی آب را تجربه می کند. از چند شب گذشته، در برخی از مناطق مختلف پایتخت جریان آب شهروندان برای چندین ساعت قطع شده است. وزارت نیرو از زمستان سال پیش هشدارها درباره خالی شدن سطح آب سدهای کشور را آغاز کرده است. محمد جوانبخت، معاون وزیر نیرو در امور آب و آبیانیز در ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ با اشاره به بروز خشکسالی شدید در کشور، هشدار داد که تأمین آب در تابستان پیش رو با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود. ۱۶ فروردین نیز سخنگوی صنعت آب در برنامه میز اقتصاد شبکه خبر اعلام کرد که وضعیت آب در کشور نامناسب است. در ۱۷ فروردین امسال حتی تنش آبی بین دو استان یزد و اصفهان وجود آمد که ماجرا به مجلس نیز کشید شد. با وجود این، تاکنون هیچ برنامه رسمی با جدول قطعی آب از سوی شرکت آب و فاضلاب استان تهران منتشر نشده و شهروندان تنها به صورت تصادفی از قطعی ها باخبر می شوند.

◀ **پاییز خشک ۱۴۰۴**

طبق گزارش سازمان هواشناسی کشور، مهرماه امسال بی بارش ترین مهر در ۴۰ سال گذشته بوده است. داده های مؤسسه تحقیقات آب نشان می دهد میزان بارش در سال آبی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ حدود ۴۰ درصد کمتر از میانگین ۵۷ سال هشتاد است. در حالی که انتظار می رفت تا نیمه پاییز بخشی از کمبود بارش ها جبران شود، تا امروز هیچ بارشی در تهران رخ نداده و پیش بینی ها نشان می دهد این روند تا پایان آذر ادامه دارد. ۲۵ میلیون مترمکعب پور، رئیس مؤسسه تحقیقات آب هشدار داده است: «نباید ریسک کنیم و منتظر باران بمانیم. باید خود را برای شرایط بحرانی آماده کنیم. در حال حاضر ظرفیت ذخایر سدهای تهران حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب است، در حالی که این رقم در سال گذشته نزدیک به دو برابر بوده است. به عبارت دیگر، ذخیره آبی پایتخت تقریباً به نصف کاهش یافته است.

◀ **احتمال افت فشار تا صفر**

وزیر نیرو در گفت وگویی تلویزیونی اخیر خود با سخنگوی دولت تأیید کرده که اعمال محدودیت های آبی آغاز شده است. او گفت: «ممکن است در برخی شب ها مجبور شویم فشار آب را تا حد صفر کاهش دهیم. از شهروندان می خواهیم برای جلوگیری از مشکلات، نسبت به نصب مخازن و ذخیره سازهای آب اقدام کنند. علی آبادی با اشاره به طرح انتقال آب از سد طالقان به تهران افزود که معادل پنج برابر آبی است که از سد طالقان به تهران می رسد.

◀ **کاهش ۲۵ درصدی ذخایر**

بر اساس اعلام علی سیدزاده، مدیرکل دفتر مدیریت آبهای کشور، حجم کل مخازن سدهای کشور در حال حاضر حدود ۲۰۱۷ میلیارد مترمکعب است، در حالی که سال گذشته ۲۳ میلیارد مترمکعب بوده است. یعنی تنها ۳۳ درصد ظرفیت سدهای کشور پر است و حجم آب ذخیره شده ۲۵ درصد کاهش یافته است. او افزود: تا ۱۳ آبان ماه امسال فقط ۲۰۳ میلی متر بارندگی در کشور ثبت شده که نسبت به میانگین بلند مدت ۸۳ درصد کاهش دارد. عیسی بزرگ زاده، سخنگوی صنعت آب نیز وضعیت منابع آبی تهران را «بسیار نامطلوب» توصیف کرد و گفت: اگر حداقل سه مترمکعب در ثانیه مدیریت مصرف بیشتر از گذشته انجام نشود، پایداري آب تهران با مشکل جدی روبه رو خواهد شد. او تأکید کرد که اگر مصرف آب حتی ۱۰ درصد کاهش نیابد، اختلال در تأمین آب پایدار تهران حتمی است. بحران آب، آزمونی است نه فقط برای اقلیم که برای نحوه حکمرانی در بحران. وقتی فشار آب تا حد صفر می رسد، شفافیت اطلاع رسانی نیز نباید به همان نقطه سقوط کند. پایتخت در آستانه بحرانی ترین پاییز آبی دهه اخیر قرار دارد. سدها خالی تر از همیشه اند، بارش ها کاهش یافته و فشار شبکه های آب شهری هر شب کاهش می یابد.

اشرف بروجردی در گفت وگوبا «آرمان ملی»:

وفاق ملی تندروها میسر نمی شود



پزشکیان با صلابت بیشتری بر کاروژرای خود نظارت کند

رئیس جمهور برای بهبود شرایط تغییراتی در کابینه بدهد

آرمان ملی - حمید شجاعی: دولت چهاردهم با وعده های مختلفی روی کار آمد و امروز که حدود یک سال و نیم از روی کار آمدنش می گذرد، برخی وعده ها مثل کنار گذاشتن قانون حجاب تا حد زیادی موفقیت آمیز بوده و وعده دولت در این حوزه تحقق یافته اما در حوزه هایی مثل حل مشکلات اقتصادی یا رفع فیلترینگ همچنان با چالش هایی مواجه هستیم که نشان می دهد دولت با تحقق وعده های داده شده فاصله دارد. مساله این است که از طرفی جریانات مخالف دولت در پی تخریب و زمینگیر کردن دولت هستند و از طرف دیگر خود دولت نیز تن به تغییرات در جهت اصلاح و بهبود نمی دهد تا مدیران کم کار و کم بازده کنار بروند و مدیران توانمند و با ارادتمان کاری بالا به بدنه دولت اضافه شوند. این در شرایطی است که با وجود مشکلات فراوان پیش روی دولت در نهایت جامعه همه مشکلات را از چشم دولت

◀ **عملکرد دولت طی یک سال و نیم گذشته را چگونه می بینید و فکر می کنید برخی کارکردهای نه چندان موفق که باعث بروز برخی انتقادات به دولت شده از چه روست؟**

من معتقدم که دولت آقای پزشکیان تاکنون عملکرد مناسبی داشته است، اما مهم ترین اشکال دولت انتخاب نیروها و کارگزانی است که به کار گرفته است. اگر انتخاب های رئیس جمهور می توانست انتخاب های درست و بیجا باشد قطعاً کشور و جامعه شرایط بهتری داشت و تبعاً دولت نیز عملکرد بهتری از خود به جای می گذاشت. بنابراین به اعتقاد من اگر آقای دکتر پزشکیان مقداری نسبت به شرایط کشور و وضعیتی که در آن قرار داریم می توانست با صلابت بیشتری از نیروهای خود کار بخواهد خیلی می توانست مفید و موثرتر باشد. ضمن اینکه کسی که به عنوان معاون اجرایی است در عین حالی که کار معاونت اجرایی می کند، باید بتواند بر عملکرد مدیران، وزرا یا هر کسی که متولی امر است نظارت کند. من فکر می کنم این نظارت هم نظارت کاملی نبوده که آقای پزشکیان بر اساس آن بتواند مدیرانش را محک بزند. اگر بخواهیم شرایط بهتری را تجربه کنیم قاعدتاً باید نظارت بیشتر و انتخاب نیروهای کارآمدتری را شاهد باشیم. البته که نباید این مهم را نادیده گرفت که عوامل مختلف دیگری هم در این مساله دخیل است و تأثیرگذاری خاص خود را دارد. مثلاً تحریم ها یا شرایط فروش نفت و... به طور طبیعی بر شرایط اقتصادی کشور تأثیر می گذارد و این مساله نیز دست دولت نیست که چگونه در این خصوص عمل کند. اما آنجایی که اختیاراً دولت در میان است، وقتی نظارت نباشد هر روز می بینید که قیمت هاگران تر از روز قبل است و این برای مردم قابل قبول نیست که به نحوی زندگی کنند که از فردای خودشان مطلع نباشند.

◀ **شما معتقدید دولت کارگزاران خود را درست انتخاب نکرده، اما دیدیم که رئیس جمهور از ابتدا با رویکرد وفاق ملی پیش آمد و با همه جریانات دست دوستی داد. با گذشت این مدت آیا دولت توانست وفاق ملی مورد نظرش را محقق کند یا در این راه شکست خورده است؟**

فهم وفاق ملی با آنچه که ما می بینیم همخوانی ندارد، چرا که وفاق ملی یعنی اینکه ما بتوانیم شرایطی فراهم کنیم که از همه نیروها همه نیروها و اندیشه ها بهره ببریم نه در عمل بلکه در اندیشه، در فکر و طرح ها. استفاده از کارگزاری که منتسب به دولت قبل باشد، یا کسانی که به عنوان پایدار یچی مطرح اند و مدام چوب لای چرخ دولت می گذارند، اگر قرار باشد رئیس جمهور آنها را برای همکاری متقاعد کند و در دولت از آنها استفاده کند، هم باعث نگرانی و دلخوری همه است و هم اینکه وفاق ملی مورد نظر پزشکیان فراهم نخواهد شد. برای اینکه دولت به آینده کشور و به شرایط و مصالح نظام بپردازد، لازم است که نیروهای منتسب به دولت قبل یا کسانی که رویکردشان عمدتاً تخریب آقای پزشکان بوده، از دولت کنار گذاشته شوند. رئیس جمهور چرا باید از این افراد استفاده کند و چرا باید اینها را به کار بگیرد؟ چون فکر می کند وفاق ملی یعنی به کارگیری این نیروها در حالی که وفاق ملی اصلاً به این معنی نیست. وفاق ملی یعنی تلاش همه جانبه برای پیشبرد کارها و اینکه آبادانی برای کشور به وجود آورد و مردم را راضی کند. امروز مردم شرایط بسیار سختی را می گذرند برای اینکه مدیرانشان



می بیند و عملکرد دولت را بر همین اساس به قضاوت می نشیند. لذا دولت باید برای اینکه بتواند همچنان مردم را پشت خود نگه دارد و اعتماد خدشه دار شده را ترمیم کند به سمت حل مشکلات با راهکارها و راه حل هایی درست و علمی برود. اینکه رئیس جمهور ناراضیانی ها را ناشی از عملکرد مدیران می داند در جای خود درست و لازم است اما کافی نیست. بلکه دولت باید برای مردم نیز به طور واقعی نه واهی افقی را ترسیم کند و با برنامه های مدون آنها را به آینده امیدوار کند. اینگونه می توان به همگرایی بیشتر دولت و ملت امید بیشتری داشت. در همین راستا برای بررسی عملکرد دولت، تعامل دولت و مجلس و مواجهه دولت با جامعه «آرمان ملی» با اشرف بروجردی فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو مجمع زنان اصلاح طلب گفت وگو کرده است که در ادامه می خوانید.

◀ **برای اینکه دولت به آینده کشور و به شرایط و مصالح نظام بپردازد، لازم است که نیروهای منتسب به دولت قبل یا کسانی که رویکردشان عمدتاً تخریب آقای پزشکان بوده، از دولت کنار گذاشته شوند**

مدیرانی نیستند که به فکر مصالح کشور باشند، البته قصد ام از این گفته این نیست که آن را به همه تعمیم بدهم، اما عده ای از مدیران باعث شدند که شرایط جامعه به این روز بیفتد.

◀ **رئیس جمهور اخیراً در یک سخنرانی گفت که نارضایتی های موجود در جامعه تقصیر مدیران است و مشکل از جامعه نیست. آیا رئیس جمهور نباید این دست مدیران را که با عملکرد خود در جامعه نارضایتی پدید آورده اند، از دولت کنار بگذارد و مدیران مجرب و کارآزموده را جایگزین کند؟**

قاعدتاً باید به همین منوال پیش رفت. درست است که آقای رئیس جمهور اظهار کرده که مدیران خوب عمل نمی کنند، اما عزمی هم برای تغییر این مدیران ناکارآمد و با عملکرد منفی دیده نمی شود. اخیراً طبق آنچه که گفته می شد قرار بود که وزیر جهاد کشاورزی استعفا بدهد یا برکنار شود، اما در عین تعجب نه استعفا داد و نه برکنار شد و همچنان شاهدیم که در بر همان پاشنه می چرخد. در حالی که این خوب نیست و در واقع باعث دلسردی و دلخوری مردم می شود. رئیس جمهور باید بداند برای اینکه بخواهد سرمایه اجتماعی خود را حفظ کند و اعتماد مردم را از دست ندهد، باید اقداماتی در جهت تقویت اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی انجام دهد. اینگونه کارها که مثلاً هیچ تغییری در دولت صورت نگیرد، اعتماد عمومی را کاهش داده و موجب ریزش سرمایه اجتماعی رئیس جمهور می شود.

◀ **رئیس جمهور از ابتدای تشکیل دولت وعده های جدایی به مردم داد و اعلام کرد که دنبال تحقق این وعده ها خواهد بود. با گذشت ۱۵ ماه از عمر دولت فکر می کنید چه میزان از وعده ها تحقق یافته و در کدام حوزه ها باید تلاش بیشتری صورت گیرد؟**

◀ **این مجلس تا اینجا نشان داده که مجلس مورد نظر و مجلس مطلوب عموم مردم نیست. یکی از موضوعات قابل بررسی این است که رای آنها چند درصد بوده و چه درصدی از جامعه را پوشش می دهد؟**

صادق زیباکلام:

نزدیکی به روسیه و چین از سر انزواست

برقرار کند؟ این مسئله حقیقتاً شگفت انگیز است! او ی افزود: این کشورها، آمریکا و غرب را دشمن خود می پندارند و جمهوری اسلامی ایران نیز آمریکا، غرب و اروپا را دشمنان اصلی خویش می داند. بنابراین، بر اساس ضرب المثل معروف «دشمن دشمن من، روسیه و چین از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون دوست من است»، این روابط دوستانه با خود گویای همه چیز است! بنابراین، واقعاً جای تعجب دارد که حکومتی که خود را موحد و باورمند به توحید می داند، جدای از مسائل سیاسی، چگونه می تواند با نظام هایی که در لحظات حساس و بزنگاه ها از حمایت از جمهوری اسلامی خودداری کرده اند و چین نیز به همین شیوه عمل کرده است، زیباکلام بیان

کرد: از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی به حدی منزوی شده

و سیاست های آن به اندازه ای ناخبردانه و نادرست بوده که ناگزیر از برقراری روابط نزدیک

با روسیه و چین است. این امر حقیقتاً تأسف بار

است که کشوری با چنین پیشینه تاریخی غنی و جایگاه منطقه ای برجسته، به جایی برسد که دشمن خود می پندارد و جمهوری اسلامی ایران نیز آمریکا، غرب و اروپا را دشمنان اصلی خویش می داند. بنابراین، بر اساس ضرب المثل معروف «دشمن دشمن من، روسیه و چین از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون دوست من است»، این روابط دوستانه با خود گویای همه چیز است! بنابراین، واقعاً جای تعجب دارد که حکومتی که خود را موحد و باورمند به توحید می داند، جدای از مسائل سیاسی، چگونه می تواند با نظام هایی که در لحظات حساس و بزنگاه ها از حمایت از جمهوری اسلامی خودداری کرده اند و چین نیز به همین شیوه عمل کرده است، زیباکلام بیان

شینا انصاری زیر تیغ افکار عمومی

۵۰ میلیارد برای سفر صفر دستاوردی؟

بر اساس سندی که در فضای مجازی منتشر شده، شینا انصاری رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور در نامه ای به رئیس سازمان برنامه و بودجه خواستار تخصیص ۵۰ میلیارد تومان از محل اعتبارات پیش بینی نشده برای حضور هیأت ایرانی در اجلاس «کاپ ۳۰» متعاهدین کنوانسیون تغییر اقلیم (UNFCCC) در کشور برزیل شده است.

در این نامه که با شماره ۲۱۲۱۳ و تاریخ ۲۱ مهر ۱۴۰۴ تنظیم شده، به دعوت رسمی رئیس جمهور برزیل از همتای ایرانی برای شرکت در این اجلاس اشاره و بر ضرورت تأمین منابع مالی لازم برای اعزام نمایندگان ایران تأکید شده است.

انتشار این درخواست مالی، واکنش هایی را در میان فعالان محیط زیست برانگیخته است. منتقدان می گویند سازمانی که با کمبود منابع برای مقابله با آلودگی هوا، نابودی تالاب ها، فرسایش خاک و بحران آب روبه روست، چطور می تواند چنین رقیمی را برای یک سفر مطالبه کند؟ پرسش اصلی افکار عمومی این است که این سفر چه دستاوردی برای محیط زیست کشور دارد؟

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران در جلسه مجلس به همین موضوع پرداخت و گفت: «مردم عزیز، من در نطق و تذکرات مختلف معمولاً به یکی دو مورد از پرخرجی های دولت اشاره می کنم تا این گزاره با عدد و رقم اثبات شود، مشکل کشور کمبود پول نیست مدیریت بد، ولخرجی و بریز و بپاش ها هست، مثال آن هم خانم شینا انصاری رئیس انجبه نیست. گروهی از فعالان محیط زیست هم برزیل درخواست ۵۰ میلیارد تومان پول به سازمان برنامه و بودجه کرده است.

آخر مگر می خواهید برزیل را بخرید و برگردید، چند نفر هستید و می خواهید چه کار کنید؟ هزینه بلیط شما نهایتاً ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیون تومان است و پول هتل هم یکی دو میلیارد بشود و می خواهید در این سفر چه کاری انجام دهید که یک قطب تان فقط ۵۰ میلیارد تومان شده است؟ مردم عزیز اینهاست مثال های ولخرجی مثال های ول کردن اقتصاد کشور و بریز و بپاش ها، حال وقتی به مردم می رسند می گویند پول نداریم.»

در فضای مجازی هم واکنش ها مشابه بود. بسیاری از کاربران نوشتند برای سفرهای کاری چندروزه به برزیل، حتی با بالاترین سطح اقامت و پرواز، چنین رقمی قابل توجه نیست. گروهی از فعالان محیط زیست هم یادآور شدند که بودجه این سفر می تواند صرف تجهیز محیط بانان، احیای تالاب های خشک شده یا حتی نصب ایستگاه های پایش آلودگی هوا در تهران و اصفهان شود.

◀ **کدام فایده؟**

با این حال، این نخستین بار نیست که عملکرد شینا انصاری و تیم مدیریتی او در سازمان محیط زیست با چنین انتقادهایی روبه رو می شود. در ماه های اخیر سفرهایی از سوی مقامات این سازمان به کشورهایی مانند چین و ترکیه انجام شده که نه گزارش از نتایج آنها منتشر شده و نه تغییری در وضعیت داخلی محیط

زیست کشور دیده می شود. آزاده مختاری، خبرنگار نیز چند روز قبل با کنایه به همین موضوع نوشته بود: «سفر باکشتی کروز؛ مسیر تازه شینا انصاری و مدیران سازمان محیط زیست! ایران در آستانه فروپاشی زیست محیطی است، اما مسئولان در تور جهانی از پکن تا ریو می چرخند! این سفرها دقیقاً چه خروجی و دستاوردی برای ایران و محیط زیست ایران داشته است؟ اعلام رسمی و کامل شود.»

حسین آخانی، استاد دانشگاه تهران و فعال محیط زیست که در کاپ ۲۹ در باکو به دعوت باکو حضور داشت نیز با اشاره به حضور ضعیف ایران در نشست های بین المللی محیط زیستی، گفته بود: «وقتی حتی توانستیم یک غرفه برای ایران در اجلاس قبلی فراهم کنیم، حضور رئیس جمهور یا رئیس سازمان محیط زیست تأثیر چندانی نخواهد داشت. این حضور ضعیف، نشان دهنده ناتوانی در استفاده از ظرفیت های بین المللی است.»

◀ **مشکل اصلی چیست؟**

شینا انصاری البته چهره ای ناشناخته در این حوزه نیست. او از بدنه سازمان محیط زیست آمده و سال ها در حوزه سیاست گذاری محیطی فعالیت کرده است؛ اما منتقدان می گویند در جایگاه ریاست سازمان، بیش از آنکه به حل مشکلات داخلی بپردازد، درگیر نمایش های رسانه ای و حضور در نشست های بین المللی بوده است.

بسیاری از کارشناسان محیط زیست از عملکرد انصاری در قبال بحران آلودگی هوا، احیای تالاب ها و حفاظت از جنگل ها رضایت ندارند و معتقدند رویکرد او بیش از اندازه محتاط، اداری و بی اثر است.

با این حال، باید انصاف داد که مشکل فقط به شخص انصاری محدود نمی شود. سازمان حفاظت محیط زیست در سال های اخیر از نظر بودجه، اختیار و جایگاه

نهادی تضعیف شده است. در تصمیم گیری های کلان کشور، صدای این سازمان چندان شنیده نمی شود و بخش زیادی از توان کارشناسی آن درگیر بوروکراسی داخلی است. در چنین شرایطی، برخی مدیران تصور می کنند حضور در اجلاس های بین المللی می تواند جای خالی اثرگذاری نتیجه دارد و نه در خارج تصویری متفاوت از ایران می سازد. مسئله این است که کشور در شرایط بحرانی قرار دارد.

از تالاب های خشک شده تا جنگل های نیم سوخته و هوای سمی کلان شهرها، وضعیت محیط زیست ایران به مرحله اضطرار رسیده است. وقتی هر روز خبری از آلودگی هوا، فرونشست زمین، کمبود آب و شهادت محیط بانان منتشر می شود، اولویت اصلی باید مدیریت منابع موجود و بازسازی اعتماد عمومی باشد، نه سفرهای پرهزینه و بی خروجی.